



عکس Reuters

## به مناسبت ششمین سالگرد کودتای ترکیه و در آستانه سفر اردوغان به ایران («شرق») روابط آنکارا - تهران را در گفت وگو با احمد نقیب زاده بررسی کرد

# بازی اردوغان با کارت ایران

## بازگشت به نقطه صفر تا چه اندازه به دلیل ضعف دیپلماتیک ایران و انفعال تهران در برابر آنکارا بوده است و تا چه اندازه این وضعیت را ناشی از رفتارهای ضدایرانی ترکیه و شخص اردوغان می‌دانید؟

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ درست شش سال پیش بود که شاهد وقوع کودتایی نافرجام در ترکیه بودیم؛ کودتایی که به‌عنوان نقطه عطفی پررنگ در تحولات سیاسی، اجتماعی، امنیتی و حتی دیپلماتیک ترکیه عمل کرد. اگرچه مواضع حمایتی ایران از اردوغان در جریان کودتای ۱۵ و ۱۶ جولای ۲۰۱۶ توانست سردی مناسبات تهران و آنکارا را برای مدت کوتاهی رفع کند؛ اما طی این سال‌ها شاهد آن بودیم که روابط دو طرف به همان وضعیت پیش از کودتا و حتی بدتر از آن بازگشته است. به گونه‌ای که برخی معتقدند ترکیه با اقدامات، مواضع و رفتارهای خود طی این شش سال عملا ضد منافع ایران در منطقه عمل می‌کند. احمد نقیب‌زاده جزء آن دسته از کارشناسانی است که همواره بر خطر و تهدید ترکیه و سیاست‌های اردوغان ضد منافع ملت ایران تأکید دارد. از همین رو «شرق» در گفت‌وگویی با این استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل به بازخوانی جرایمی سردی مجدد در روابط دو کشور طی شش سال گذشته بعد از کودتا و در آستانه سفر اردوغان به تهران پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

## جنگ اقتصادی و سیاسی ایران و ترکیه؛ آیا این دو کشور می‌توانند با همکاری یکدیگر به منافع مشترک خود دست یابند؟

♦ جناب نقیب‌زاده شما جزا، آن دسته از کارشناسان و تحلیلگرانی هستید که همواره در گفت‌وگوها و مطالب‌تان گریزی به نقش مخرب ترکیه در برابر ایران، ذیل روابط

و تحولات منطقه‌ای و جهانی داشته‌اید. در همین راستا و مشخصا در ماه‌های اخیر عملا ترکیه در همه مناسبات سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی، اقتصادی، تجاری، مرزی و حتی زیست‌محیطی برخلاف منافع جمهوری اسلامی ایران رفتار کرده و می‌کند. به‌همین دلیل و به مناسبت ششمین سالگرد کودتای ۱۵ و ۱۶ جولای ۲۰۱۶ و نیز در آستانه سفر هفته جاری اردوغان به ایران به واکاوی علل و اهداف رفتارهای ضدایرانی ترکیه و رئیس‌جمهوری این کشور بپردازیم. برای سؤال نخست و با توجه به رفتارهای آنکارا می‌توان گفت که اردوغان شمشیر را برای تهران از رو بسته است؟

بیبیند ترکیه به‌عنوان یکی از سه قدرت منطقه در کنار جمهوری اسلامی ایران و

عربستان سعودی همواره نقش مهمی در سمت و سودهی به تحولات خاورمیانه

و به تبع آن سیاست خارجی ایران داشته و خواهد داشت. نکته مهم‌تر آن است

که قرار نیست ترکیه و اساسا هیچ کشور منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای براساس منافع

جمهوری اسلامی ایران عمل کند.

♦ **ولی قرار هم نیست که ترکیه و اردوغان به نام «دوست»، رسما در جبهه دشمن و ضد منافع ایران عمل کند و ما هم به هر دلیلی سکوت پیشه کنیم؟**

اتفاقا من بیشتر و پیش‌تر از شما به نقش مخرب و منفی ترکیه و ضدیت رفتارهای اردوغان در همه ابعاد و سطوح با منافع ایران تأکید داشته و دارم. من بارها و بارها گفته‌ام که نقش مخرب ترکیه و شخص اردوغان ضد ایران اگر بیشتر از محمد بن‌سلمان، دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو، نتفالی بنت و لاپید نباشد، کمتر از آنها نیست؛ همچنین بر این نکته هم تأکید دارم که بیش از آنکه و بیش از آنکه ما بخاوهیم ایران آسیب‌شناسی و نقد را به سیاست خارجی اردوغان و ترکیه در تضاد با منافع جمهوری اسلامی داشته باشیم، باید این سؤال بحق را از سیاست خارجی خود داشته باشیم که چرا و به چه دلیلی با این عملکرد اشتباه در سیاست خارجی به‌خصوص در حوزه برجامی چنان ضعف دیپلماتیکی را برای ایران شکل داده‌ایم که ترکیه این جرئت و جسارت را به خود داده است که بخواهد در برابر منافع و امنیت ایران قد علم کند؟ این یک سؤال کلیدی است که باید همه مسئولان، پاسخ‌مندی و قانع‌کننده‌ای برای ملت و تاریخ ایران داشته باشند. ضمنا ما باید به یاد داشته باشیم که نحوه عملکرد هر دولت و کشوری در حوزه سیاست خارجی بسیار وریل‌گذاری را برای رفتار همسایگان و بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با آن کشور رقم می‌زند. اگر ما در دیپلماسی برجامی، احیای توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها درست عمل می‌کردیم، با بازآفرینی و بازتعریف توان و قدرت منطقه‌ای خود در شرایط و مسیری گام برمی‌داشتیم که علاوه بر ترکیه حتی عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، مصر و دیگر کشورها در راه احترام متقابل با ایران گام برمی‌داشتند. چرا؟! چون چاره‌ای جز آن نداشتند که برای حفظ منافع خود

هم که شده ارتقای روابط سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و حتی امنیتی و دفاعی را با «ایران قدرتمند پس از احیای برجام و لغو تحریم‌ها» در دستور کار قرار دهند؛ اما زمانی که هم در دولت روحانی با کارشکنی عمدی مانع از احیای برجام شدند و هم در دولت رئیسی با این سیاست خارجی ناکارآمد، مرتبا به بهانه‌های وا‌هی احیای برجام را به تأخیر می‌اندازند و برای هیچ‌کدام از تحلیل‌های کارشناسی و ارزیابی بسوزان ایران ارزشی قابل‌توجه و حتی نام «غرب‌زده» و حامی آمریکا هزار برمی‌دانشند.

♦ **همه گفته‌ها درست و من هم بر آن صحنه می‌گذارم؛ اما این شرایط و ضعف دیپلماتیک ایران به دلیل عدم احیای برجام، توجهی برای رفتارهای ضدایرانی اردوغان و ترکیه خواهد بود؟**

باز هم تأکید می‌کنم ترکیه بر اساس منافع خود عمل می‌کند، نه منافع ایران. اردوغان رئیس‌جمهور ایران که نیست. درثاتی ترکیه در شرایط اقتصادی مناسبی قرار ندارد؛ بنابراین اردوغان برای آنکه از بحران تورم ۸۰درصدی فرار کند و نیز برای آنکه بتواند از مسیر سیاست خارجی به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی کشورش کمک کند، یقینا ارتقای روابط با دیگر همسایگان به‌خصوص مناطق مهم

از اردوغان دفاع کرد؟ این مسئله به دلایل متعدد صورت گرفت. اولاً این کودتا علیه دولت قانونی در یک کشور بود. فسارخ از اینکه دولت اردوغان تا چه اندازه در جهت تقابل با منافع و امنیت ایران عمل کرده یا می‌کند، اما ایران به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست در برابر این کودتا جانب کودتاجیان را بگیرد. مسئله مهم‌تر به شخصیت فتح‌الله گولن بازمی‌گردد که نگاه‌ها و باورهای به‌مراتب تندتری از اردوغان در ضدیت با جمهوری اسلامی و ملت ایران دارد. در همین دلیل بود که تهران، نه به خاطر اردوغان و ترکیه، بلکه بیشتر به دلیل منافع خود بود که آن شب و در همان ساعات ابتدایی کودتا از دولت قانونی اردوغان حمایت کرد.

♦ **پس به باورتان این یک انتخاب بین «بد» یعنی اردوغان و «بدتر» یعنی گولن بوده است؟**

دقیقا.

♦ **اکنون که به باور شما تضاد منافع تهران - آنکارا و نبرد آشکار و پنهان دو کشور اجازه تعمیق مناسبات و بهبود روابط را نمی‌دهد، آیا از آن سو تداوم و تشدید این وضعیت به تقابل دو طرف خواهد انجامید؟**

من تقابل را چندان جدی نمی‌دانم.

♦ **چطور؟**

چون در سایه روابط نیم‌بند ایران و ترکیه و نیز با درنظرگرفتن اقتضانات و شرایط منطقه و همچنین با توجه به منافع و اهداف تهران و آنکارا از تداوم و حفظ روابط، مناسبات دو کشور در همین وضعیت «فریز» و ثابت باقی خواهد ماند. یعنی نه خبری از روابط استراتژیک و راهبردی بین ایران و ترکیه و تعمیق مناسبات دو طرف است و نه از آن سو می‌توان گفت وضعیت به قدری وخیم، بحرانی و بغرنج می‌شود که مانند روابط ایران و عربستان یا آمریکا به سمت قطع روابط، تقابل همه‌جانبه و حتی جنگ نیابتی کشیده شود.

♦ **در برهه‌های هم تقابلس تمام‌عیاری بین ایران و ترکیه در منطقه شکل گرفته است، نه؟**

بله هرچند در مقطعی مانند جنگ سوریه و در حال حاضر در عراق یا منطقه اقلیم کردستان شاهد تقابل نیابتی بین ایران و ترکیه هستیم، ولی این تقابل به قطع روابط منجر نشده است؛ کدورت‌های دیپلماتیک و سیاسی شکل گرفته که طبیعی است، اما نهایتا وضعیت به همین منوال ادامه پیدا خواهد کرد.

♦ **چرا ترکیه و شخص اردوغان در این سال‌ها به‌خصوص در دوران روحانی و شش سال بعد از کودتای ۲۰۱۶ نقش فعال سابق خود در دوران احمدی‌نژاد برای حل مناقشات پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران را ادامه نداد؛ نقشی که کماکان عمانی‌ها و به طریق پررنگ‌تری اخیرا قظری‌ها در پرونده هسته‌ای دنبال می‌کنند یا به موازات آن، عراق سعی می‌کند نقش واسط را در احیای روابط تهران – ریاض ایفا کند، آن هم در شرایطی که همین ترکیه در جنگ اوکراین به‌عنوان میانجیگر و میزبانی گفت‌وگوهای صلح بین کی‌یف و مسکو عمل کرده که نشان می‌دهد ترکیه از چه توانایی و نفوذ بالای دیپلماتیکی برخوردار است. چرا آنکارا از این توان دیپلماتیک در جهت احیای برجام استفاده نمی‌کند؟**

دلیل آن کاملا روشن است؛ چون عدم احیای برجام در جهت منافع ترکیه است، همان‌گونه که عدم احیای برجام در جهت منافع روسیه و چین قلمداد می‌شود. همان‌گونه که در پاسخ به سؤالات قبلی اشاره کردم و دوباره بر آن تأکید می‌کنم، احیای برجام و لغو تحریم‌ها، بدون شک ایران را در منطقه قدرتمند می‌کند و به همین دلیل بازیگران شاید برخلاف منافع خود مجبور شوند روابطشان را با جمهوری اسلامی بر اساس اقتضانات جدید ناشی از ایران قدرتمند پس از احیای برجام تنظیم کنند. اما زمانی که ایران به دلیل سیاست خارجی ویژه خود، کماکان عدم احیای برجام را پیش می‌برد یقینا نتیجه مستقیم و فوری آن به این ضعف دیپلماتیک ما در منطقه و جهان منجر می‌شود و به دنبال آن نفوذ ما در میان همسایگان مرتب کاهش پیدا می‌کند. این یک وضعیت مطلوب و ایدئال برای اقتصاد، مخابرات، هیچ دلیل و توجیهی ندارد که اردوغان بخواهد مانند دوران احمدی‌نژاد در کنار کشوری مانند برزیل با برخی از ابتکارات به اختلافات و بحران در پرونده هسته‌ای ایران پایان دهد. اگر هم در مقاطعی طی این شش‌سال شخص اردوغان و ترکیه هرازگاهی به حمایت از ایران و تقابل با تحریم‌های آمریکا پرداخته، درست در برهه‌هایی بوده است که شاهد تقابل آنکارا و واشنگتن در مسائلی مانند استرداد فتح‌الله گولن، حمایت ایالات متحده از نیروهای مسلح کردی در سوریه و ترکیه و اتفاقاتی همچون تحریم ترکیه توسط آمریکا به دلیل بازداشت کنشیش آمریکایی و نظایر آن بوده‌ایم. همان‌گونه که گفتیم ترکیه سعی دارد از کارت خود با ایران در جهت منافعش برای امتیازگیری از آمریکا، عربستان، اسرائیل و… سوءاستفاده کند. در یک جمله مهم و کلیدی می‌خواهم عنوان کنم که چین، روسیه، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و اسرائیل به‌هیچ‌عنوان تمایل ندارند برجام احیا و تحریم‌های ایران لغو شود. در این بین برخی مناطق مانند عربستان و اسرائیل در جریان سفر چند روز اخیر جو بایدن به منطقه خاورمیانه این را به‌صراحت عنوان می‌کنند و به دنبال قرارداد و بیانیه ضد برجامی هستند و برخی هم مانند ترکیه، روسیه و چین در ظاهر به نام حمایت از ایران، احیای برجام را در ضدیت با منافع خود می‌دانند و به طریق آشکار و پنهان و مستقیم و غیرمستقیم مانع از احیای توافق هسته‌ای می‌شوند.

♦ **اگرچه قرار است اردوغان اواسط هفته جاری به تهران سفر کند، اما پیش از آن شاهد بودیم که رئیس‌جمهور ترکیه به جای حضور در ایران، سفر به عربستان سعودی و احیای روابط با بن‌سلمان را کلید زد. در کنار آن شاهد سفر اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل، به ترکیه بودیم. همچنین با دو بار لغو سفر حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران، به ترکیه، مولود جاووش‌اوغلو سفر به اسرائیل را در دستور کار قرار داد. این در حالی است که یائیر لاپید هم سفری به ترکیه داشت. آیا اردوغان اکنون ریاض و تل‌آویو را جایگزین روابط با ایران کرده است؟**

اشتباه نیست. اردوغان اکنون ریاض و تل‌آویو را جایگزین مناسبات با تهران نکرده است. این قبل این کار صورت گرفته بود و ما اکنون به شکل آشکار نتایج آن را می‌بینیم. همان‌گونه که گفتیم تأخیر در احیای برجام و عدم لغو تحریم‌ها باعث شده است ایران مرتب ضعیف شود. بدیهی است در شرایطی که اردوغان با تورم ۸۰ درصدی دست و پنجه نرم می‌کند، بخواهد با منطقه مانند عربستان، امارات، قطر و اسرائیل وارد رابطه شود تا از قبیل بهبود مناسبات اقتصادی و تجاری با آنها به ترمیم وضعیت داخلی کمک کند. وقتی ایران با یک اقتصاد آسیب‌دیده و بحران معیشتی مواجه است، قطعاً هیچ‌گونه ارتقای روابط با ایران در دستور کار ترکیه نخواهد بود.

♦ **به همین دلیل است که اخیرا آنکارا همکاری‌های امنیتی با اسرائیل را ضد ایران کلید زده است؟**

این هم بخشی از همان سیاست کلی است که اردوغان در پیش دارد و سعی می‌کند اسرائیل و عربستان را جایگزین ایران بکند؛ بنابراین مسئله همکاری امنیتی با تل‌آویو به نام حفاظت از جان اتباع و توریست‌های اسرائیلی در خاک ترکیه در برابر اقدامات به‌اصطلاح ترویستی ایران را مطرح می‌کنند یا سعی در دستگیری و محاکمه به اصطلاح تیم‌های ارتقای روابط با ایران در دستور کار ترکیه نخواهد بود.

♦ **ما در سفری که حسین امیرعبداللهیان به ترکیه داشت برنامه‌ای برای توسعه مناسبات در قالب سند همکاری‌های راهبردی بین دو کشور مطرح شد. آیا اردوغان نیم‌نگاهی به ارتقای روابط با تهران دارد؟**

این یک شوخی دیپلماتیک است. ترکیه تلاش دارد با این تعارفات سیاسی و این دست قراردادهای، ایران را در جهت خود حفظ کند تا از برک برنده روابط با تهران

در برابر ریاض، واشنگتن و تل‌آویو نهایت استفاده را ببرد. ضمنا سند همکاری‌های

راهبردی با چین و روسیه هم به دلیل عدم احیای برجام و عدم لغو تحریم‌ها هنوز بر زمین مانده است، چه برسد به روابط راهبردی با ترکیه که یک شوخی دیپلماتیک و تعارف یا بهتر بگویم بازی سیاسی است. اقتصاد ایران که درگیر بحران استت و ترکیه هم با تورم ۸۰درصدی دست و پنجه نرم می‌کند. کدام عقل و منطقی روابط این دو را مثمتر ثمر می‌داند؟ بنابراین ترکیه با علم به این مسئله به دنبال ارتقای روابط با قدرت‌های اقتصادی مهم در منطقه از عربستان تا قطر و امارات است، نه ایران. بگذارید بی‌تعارف بگویم ترکیه مانند روسیه و چین، هم از توبره ایران می‌خورد و هم از آخور اسرائیل، عربستان و آمریکا. مگر پیش‌تر سند همکاری راهبردی بین محمدجواد ظریف و جاووش اوغلو امضا نشد؟ نتیجه امضای آن سند چه بود؟ جز اینکه ترکیه اکنون در همه ابعاد و سطوح ضد ایران عمل می‌کند؟ پس نباید به این جملات و این عبارات توجه کنیم.

♦ **حسین امیرعبداللهیان در جریان سفر خود به ترکیه از انتقال نگرانی‌های اردوغان به بشار اسد برای جلوگیری از حمله ارتش ترکیه و اشغال حلب خبر داد. این در حالی است که تحولات میدانی نشان می‌دهد آنکارا کماکان آرایش نظامی خود را در جهت حمله به حلب حفظ کرده است. آیا با حضور هم‌زمان اردوغان و پوتین در تهران و برگزاری نشست سه‌جانبه بین رؤسای جمهور ایران، ترکیه و روسیه در قبال سوریه ذیل محور آستانه، اردوغان از اشغال حلب منصرف می‌شود؟**

به هیچ عنوان. ببینید بعد از جنگ اوکراین و اقدام روسیه برای خروج از سوریه و مهم‌تر از آن جایگزینی ارتش بشار اسد و نیروهای ایران نگرانی جدی برای شخص اردوغان شکل گرفته است. کما اینکه دلگرا این جدی هم در اسرائیل، آمریکا، اروپایی‌ها و ناتو هم به وجود آمده است. به همین دلیل حتی اگر نشست نی بین رئیسی، پوتین و اردوغان در ایران برگزار شود و تضمین‌هایی هم از جانب تهران و مسکو به آنکارا داده شود، قطعا اردوغان باز هم حمله به حلب را در دستور کار خود قرار خواهد داد.

♦ **به چه دلیل یا دلایلی چنین باوری دارید؟**

چون نشست‌های قبلی محور آستانه هم نتوانست مانع از اشغال‌های پیشین ترکیه و عملیات‌های مکرر ارتش این کشور در خاک سوریه و عراق شود. طی این سال‌ها حتی دامنه، شدت و وسعت حملات ترکیه افزایش هم پیدا کرده است. مضافا ترکیه در قبال سرکوب کردها در سوریه و همچنین حمایت تمام‌قد از نیروهای توریستی وابسته به خود مانند ارتش آزاد یا جبهه النصره در جهت منافعش هیچ‌گونه تعارفی با روسیه، سوریه، ایران و هیچ کشور دیگری ندارد. درست است که ترکیه از روی دست ایران برای ایجاد نیروی نیابتی کپی‌برداری کرده است، اما منافعش ضد ایران است؛ بنابراین از پیغام و پیغام‌های امیرعبداللهیان و چه سفر اردوغان به ایران و برگزاری نشست محور آستانه نمی‌تواند اردوغان را از حمله به سوریه و اشغال حلب دور کند. ضمن اینکه اردوغان در سایه بحران معیشتی و اقتصادی و تورم ۸۰درصدی کنونی به محل فرار و مسیری برای انحراف افکار عمومی نیاز دارد. چه مسیری بهتر از مسئله حمله به سوریه و دامن‌زدن به تهدید به اصطلاح نیروهای کردی و پررنگ‌کردن موج ناسیونالیسم ترکی؟! نکته مهم‌تر آن است که اردوغان به این سفر و حضور در تهران و دیدار با پوتین و رئیسی نیاز دارد.

♦ **چه نیازی؟**

اگرچه ترکیه منافع خود را در قبال ارتقای روابط با عربستان و اسرائیل و حمایت از اوکراین در جنگ اخیر تعریف کرده است، اما اردوغان به‌طور هم‌زمان به کارت برنده‌ای، ذیل تداوم مناسبات با روسیه و ایران هم برای امتیازگیری بیشتر نیاز دارد؛ بنابراین با حضور در تهران و برگزاری نشست نی رئیسی و پوتین به دنبال حفظ ترکیه در جبهه آستانه نیز هست. این یک هوشمندی دیپلماتیک است که مشابهش در جنگ اوکراین دیده می‌شود. ترکیه ضمن فروش سلاح و تجهیزات سبک و نیمه‌سنگین به ارتش اوکراین از طرف دیگر سعی کرده است روابط خود با روسیه و پوتین را حفظ کند تا به نام میانجیگری از هر دو طرف یعنی مسکو و کی‌یف، امتیازات خود را دریافت کند.

♦ **با این تفاسیر معتقدید که محور آستانه اهمیت و کارکرد خود را از دست داده است؟**

از دست داده بود. برگزاری نشست‌های قبلی در دولت روحانی هم بین سه کشور ایران، روسیه و ترکیه محلی از اعراب نداشت و اردوغان برنامه خود را در سوریه و در ضدیت با منافع مسکو، تهران و ارتش بشار اسد پیش می‌برد. اکنون که با بحران معیشتی و تورم بالا، اردوغان با جدیت بیشتری این برنامه‌ها را پیش می‌برد. تازه آن زمان خبری از جنگ اوکراین نبود و روس‌ها نفوذ و حضور جدی‌تری در سوریه داشتند و با حائل‌شدن بین نیروهای ترکیه و نیروهای همسو با ترکیه در برابر ایران و نیروهای همسو با ایران سعی می‌کردند از تداوم و تشدید تنش جلوگیری کنند، چه برسد به امروز که روسیه به دلیل جنگ اوکراین مجبور شده است خاک سوریه را ترک کند؛ بنابراین در این شرایط که نیروی واسط و حائل‌ی به نام روسیه در سوریه حضور ندارد، ترکیه از خلا مسکو نهایت استفاده را خواهد برد؛ ازاین‌رو نشست محور آستانه در تهران و دیدار اردوغان با رئیسی و پوتین هیچ تأثیری در سیاست‌های ترکیه برای سوریه ندارد. اردوغان در شرایط خطیر فعلی و به‌خصوص در وضعیت کنونی خود برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده آماده می‌کند، سعی دارد از جنگ سوریه نهایت استفاده را ببرد، اما در عین حال در تلاش است کماکان روابط ظاهری خود با روسیه و ایران را هم حفظ کند. به همین دلیل است که چون اقدامات و رفتارهای ترکیه در هفته‌ها و ماه‌های اخیر به نحوی بوده که شکستگی روابط با تهران را بیشتر از قبل کرده، اردوغان برای مدیریت روابط با ایران، سفر به تهران را کلید زده است.

♦ **تقلیل کردی کوتاه به مسئله زیست‌محیطی و سدسازی ترکیه داشتید. به واقع اردوغان چه اهدافی را در پشت‌این سدسازی‌های بزرگ برای خود تعریف کرده است؟ آیا در دیدار اردوغان و رئیسی امکان تعدیل مواضع و اقدامات ترکیه در قبال سدسازی‌های این کشور و نقش مخربش در تضاد بحران محیط زیستی ایران، سوریه و عراق وجود دارد؟**

پاسخ این سؤال هم مشابه با سؤال قبلی است. به‌هیچ‌عنوان اردوغان در دیدار با رئیس‌جمهور ایران از برنامه‌های خود برای سدسازی ترکیه عقب‌نیشینی نمی‌کند و اتفاقا با جدیت بیشتری آن را پیگیری خواهد کرد.

♦ **چرا؟**

چون ترکیه از مسئله آب به دنبال چند هدف عمده است. نخست آنکه اردوغان از این سدسازی‌ها به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی است. درثاتی ترکیه سعی دارد آب را به عنوان اهرم فشاری در برابر تهران، دمشق و بغداد در جهت منافع خود به کار ببرد. مسئله مهم‌تر به اهداف اقتصادی ناشی از فروش آب به اسرائیل و دیگر کشورهای حاشیه‌خلیج فارس بازمی‌گردد. همان‌گونه که ترکیه سعی دارد مناسبات انرژی در حوزه نفتی و گازی با اقلیم کردستان عراق و اسرائیل را برای صادرات انرژی به اروپا کلید بزند، مشابه آن را در قبال فروش و صادرات آب اسرائیل هم کلید زده است؛ بنابراین اردوغان، هم به دلایل امنیتی و دفاعی، هم به دلیل منافع دیپلماتیک و همچنین به دلیل مسائل اقتصادی ناشی از فروش آب به اسرائیل و هیچ‌عنوان تعدیلی در سیاست‌های سدسازی خود ایجاد نمی‌کند و دیدار با رئیسی به گفت‌وگو در این خصوص هم نمی‌تواند او را از این مسیر دور پیش گرفته است منصرف کند. اردوغان با بحران تورم ۸۰درصدی دست و پنجه نرم می‌کند و سال آینده نیز خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آماده می‌کند.

♦ **در دفعات اهمیت و نقش انتخابات ریاست‌جمهوری ژوئن ۲۰۲۳ ترکیه را طی مصاحبه خاطرنشان کردید. آیا آن‌گونه که مطرح است پیروزی مجدد اردوغان، ولی این یک اشتباه راهبردی است که تصور کنیم اگر اردوغان با میزان رای کمتر در**

انتخابات مجددا پیروز شود، چون در موضع ضعیف‌تر قرار دارد می‌تواند به نفع ایران باشد. مسئله پیروزی اردوغان با رای ضعیف یا قوی برای سیاست داخلی ترکیه اهمیت، معنا و کاربرد دارد، کما اینکه نحوه پیروزی و میزان رای رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال قبل برای سیاست داخلی ایران معنا دارد. اما اگر اردوغان با هر میزان رای که مجددا به ریاست‌جمهوری ترکیه برگزیده شود در سیاست خارجی به معنای آن است که اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه است و می‌تواند همان سیاست‌های قبلی را در قبال ایران، منطقه و جهان پی بگیرد و قطعاً همین کار را هم خواهد کرد.